



محمد حسین مهدویان؛ کارگردان «ماجرای نیمروز: رد خون»

در گفت و گو با «صبا»:

فیلم را برای مردم ساخته



ملیکا مومنی راد گفت و گو

چهار سال از زمانی که محمد حسین مهدویان را پدیده تازه سینمای ایران نامیدند، می گذرد و او در این چهار سال طوری گام‌هایش را برداشت که علاوه بر منتقدان، مردم نیز روی این حرف صحنه بگذارند و هر بار بیشتر از قبل، برای تماشای سینمای او کنجکاو باشند. مهدویان پس از تجربه‌های سخت و موفق «ایستاده در غبار»، «ماجرای نیمروز» و «لاتاری»، حالا به گفته خود او، یکی از پیچیده‌ترین و سخت‌ترین تجربه‌هایش را در «ماجرای نیمروز: رد خون» پشت سر گذاشته و آن را راهی جشنواره فیلم فجر کرده که با استقبال مردم نیز مواجه شده است. به همین بهانه با او گفت و گویی داشتیم که در آخرین شماره ویژه‌نامه جشنواره فجر ۳۷ می‌خوانید.

اقدام به ساخت قسمت دوم فیلمی که قسمت اول آن پیش‌تر با استقبال مواجه شده یک چالش متفاوت و البته سخت در فیلمسازی به‌شمار می‌رود؛ تصویری خوش و ماندگار از «ماجرای نیمروز» در ذهن مخاطب وجود داشته و حالا شما با ساخت «ماجرای نیمروز: رد خون» خودتان را ناخودآگاه در معرض قیاس با خودتان قرار دادید و طبیعتاً مخاطب نیز توقع بیشتری از شما خواهد داشت. با این حساب، شما فقط یک فیلم نساختید بلکه خودتان را در معرض قیاس و قضاوت‌های متفاوتی قرار دادید، با اشراف به این موضوع، چه دلایلی شما را بر آن داشت تا دست به این کار بزنید!

زمانی که تصمیم به ساخت فیلمی می‌گیرم، سعی می‌کنم خودم را گرفتار این ترس‌ها نکنم چرا که می‌تواند مانع جدی کارم شود. همه این مواردی که شما به آن اشاره کردید وجود دارد اما تلاش می‌کنم به آن‌ها غلبه کنم. اگر به این ترس‌ها غلبه نکنم نمی‌توانم فیلم بسازم. فیلمسازی، حرفه من است من باید خودم را در شرایطی قرار دهم تا بتوانم قصه‌هایم را تعریف کنم، روزی مردم و منتقدان از ساخته من خوششان می‌آید و روزی دیگر نه! مهم این است که من خودم را در معرض این چالش قرار دهم، از دل همین چالش‌هاست که می‌توانم فیلمساز، باقی بمانم. اگر به جنگ این چالش‌ها نروم باید فیلمسازی را هم کنار بگذارم.

اما کاراکترهایی که ما به واسطه «ماجرای نیمروز» شناختی از آن‌ها داریم این بار در بازه زمانی عملیات مرصاد حضور دارند، این کاراکترها می‌توانستند در موقعیت‌های جذاب دیگری قرار بگیرند، چطور شد این مقطع زمانی و این عملیات را انتخاب کردید؟

این هم یکی از همان موقعیت‌هاست، به قصه‌ها و موقعیت‌های داستانی دیگری فکر کردیم اما در نهایت احساس کردیم این قصه جذاب‌تر است و در این موقعیت می‌توانیم قصه پیچیده‌تری را روایت کنیم. البته این نکته را هم بگویم که «ماجرای نیمروز: رد خون» قصه عملیات مرصاد نیست، روایت قصه‌ای به موازات این عملیات است.

بخشی از کاراکترهای «ماجرای نیمروز» در این اثر حضور دارند، بر چه اساسی بخشی از کاراکترها به «ماجرای نیمروز: رد خون» راه پیدا کردند و بخشی دیگر خیر؟

صادقانه می‌گویم دوست داشتم تمام کاراکترها در این فیلم نیز حضور داشته باشند اما می‌دانستم جمع کردن همه آن‌ها کنار هم میسر نمی‌شود، در همان مقطع هم جمع شدن همه آن‌ها کار بسیار سختی بود. به هر حال می‌دانستم برخی درگیر کارهای دیگر هستند، برخی شاید شخصیت‌های فعلی‌شان در فیلمنامه را دوست نداشته باشند و... اما از همان زمان که قرار شد «ماجرای نیمروز: رد خون» ساخته شود، کاراکتر «کمال» و «صادق» خط قرمز ما شدند و گفتیم اگر این دو نباشند «ماجرای نیمروز: رد خون» نیز نخواهد بود. در نتیجه به محض این که مطمئن شدیم هادی حجازی‌فر و جواد عزتی می‌توانند در این پروژه حضور پیدا کنند، به این نتیجه رسیدیم می‌توانیم این فیلم را بسازیم. بعد از آن با بقیه بچه‌ها صحبت کردیم که عده‌ای آمدند و عده‌ای دیگر نه!

یکی از ویژگی‌های بارز شما، نگاه مستندی است که معمولاً در فیلم‌ها بتان وجود دارد تا چه اندازه برای رسیدن به این روایت، مبنای خود را مستندات و واقعیت‌ها قرار دادید و از آن وام گرفتید؟

حجم زیادی از مستندات را جمع‌آوری کردیم اما بنسار بر این نگذاشتیم تا به آن‌ها مقید باشیم. در این فیلم قصد داشتیم بیشتر قصه تعریف کنیم و خط ملودرامی که در فیلم وجود دارد بر ایمان بسیار حائز اهمیت بود. ما پیش از این تجربه، «ماجرای نیمروز» و بعد از آن «لاتاری» را ساخته بودیم. زمانی که قرار شد «ماجرای نیمروز: رد خون» را بسازیم دو تجربه متفاوت اندوخته ما بود و تصمیم گرفتیم از هر دو این تجربه‌ها استفاده کنیم تا اثری موفق‌تر

را در معرض تماشا بگذاریم. این - که استقبال از فیلم در زمان اکران، همچون جشنواره، وجود داشته باشد را نمی‌دانم و باید صبر کرد. اما به نظرم تصمیم بدی نگرفتیم. اگر این گونه از فیلمسازی، موفق بود آن را تکرار می‌کنیم اگر نه، راه و شیوه دیگری را تجربه می‌کنیم.

اما به زعم خودتان «ماجرای نیمروز: رد خون» به نسبت «ماجرای نیمروز» تا چه اندازه متریقی تر است؟

این را باید منتقدان و مردم بگویند، من نمی‌توانم در این مورد نظری بدهم اما این را می‌توانم بگویم که سعی کردم فیلم کامل‌تری بسازم و از تجربیاتی که در فیلم‌های قبلی خود کسب کرده‌ام در این اثر استفاده کنم. این فیلم به نسبت کارهای قبلی‌ام کاری سخت‌تر و پیچیده‌تر بود.

شما معمولاً سراغ موضوعات و بزنگاه‌هایی می‌روید که به تصویر کشیدن آن روی پرده سینما کار ساده‌ای نیست، نمی‌دانم چقدر صحت دارد اما ظاهراً در «ماجرای نیمروز: رد خون» نیز موانع و حاشیه‌ها کم نبودند!

برخی اتفاق‌هایی که در روند تولید یک فیلم رخ می‌دهد آنقدر لوس و بی‌مزه است که حتی نمی‌توان نام آن را ممیزی گذاشت. ممیزی یک شانی دارد اما در حال حاضر مشکل ما ممیزی نیست بلکه حرف‌هایی از گوشه و کنار است که گریبان فیلم را می‌گیرد و اتفاقاً هیچ‌کس هم مسئولیت آن را قبول نمی‌کند و فقط روند ساخت فیلم را سخت می‌کند. دست آخر هم ما فیلم خود را می‌سازیم اما با تحمل در دسرها و نق‌زدن‌های مختلف! متأسفانه هیچ‌کس هم مسئولیت این حرف‌ها را بر عهده نمی‌گیرد و حتی کسی نمی‌آید بگوید که این بخش در فیلم نباشد تا ما هم توضیحات خود را ارائه کنیم.

اما اطراف فیلم‌هایی چون «ماجرای نیمروز: رد خون» معمولاً این صحبت پیش می‌آید که ساخت اثر دغدغه فیلمساز بوده یا سفارشی در کار بوده است، در مورد این فیلم ماجرا به چه شکل بود؟

بدون دغدغه نمی‌شود فیلم خوب ساخت. اگر فیلمی خوب باشد قطعاً دغدغه‌های پشت آن بوده است اما اگر خوب نباشد دیگر چه فرقی می‌کند که سفارشی باشد یا نباشد. این فیلم سفارشی نبوده است و خودمان تصمیم به ساخت آن گرفتیم.

ساخته قبلی شما بر خلاف دو فیلم «ایستاده در غبار» و «ماجرای نیمروز» در داورهای جشنواره، اقبال چندانی نداشت، تصورتان از موفقیت این فیلم در جشنواره امسال چگونه است؟

خیلی به این مسئله فکر نمی‌کنم، صادقانه و خاضعانه این فیلم را برای مردم ساختم. لذت حضور من در جشنواره همین صفوف به هم فشرده، سالن‌های پر، استقبال مردم و حتی کف سالن نشستن آن‌ها به شوق تماشای فیلم است. شاید در زمان فیلم «ایستاده در غبار» و یا «ماجرای نیمروز» و سوسه جایزه داشتم کما این که این اتفاق نیز افتاد اما در حال حاضر دندان طمع جایزه را کشیده‌ام. آنچه مردم به من می‌دهند برایم بسیار باارزش‌تر است و اتفاقاً به دست آوردن آن نیز سخت‌تر است.

شما چهار دوره پیاپی است که در جشنواره فیلم فجر حضور دارید، ساز و کار برگزاری جشنواره را چطور می‌بینید؟

جشنواره فیلم فجر درگیر مشکلات سنتی است که نمی‌دانم باید آن را به عنوان واقعیت جشنواره بپذیریم یا می‌توان برای مرتفع شدن آن همچنان تلاش کرد. از جمله مشکلات جشنواره این بوده که کیفیت بخش فیلم‌ها مطلوب نیست. البته این بیماری کل سینمای ماست و تازه در جشنواره، عالی‌ترین کیفیت ارائه می‌شود اما همین عالی‌ترین کیفیت هم نقاط ضعف بسیاری دارد. متأسفانه این مشکل در طول اکران عمومی فیلم‌ها به مراتب بیشتر است. در خیلی از سالن‌ها کیفیت نازل صدا را شاهد هستیم. ما برای جزییات تصویر و صدای هر پلان زمان، انرژی و دقت زیادی را به کار می‌گیریم اما شاید حدود نیم - درصد سالن‌ها آنچه ما می‌سازیم را نمایش می‌دهند و بقیه سالن‌ها، فیلم را به گونه‌ای به نمایش می‌گذارند که با اصل آن فرق دارد. نمی‌دانم این مسئله اهمیت ندارد یا ما فیلمسازها وسواس داریم؟ یکی از مشکلات سینماها در نحوه نمایش آثار این است که تقریباً در تمامی سالن‌های فیلم من و یا فیلم‌های دیگر، دیده می‌شود که چند دقیقه‌ای از شروع فیلم گذشته اما همچنان همه تماشاگران وارد سالن نشده‌اند. این در حالی است که ۵۰ دقیقه قبل از شروع سالن خالی بوده اما این زمان به جاگیری مخاطب اختصاص داده نمی‌شود. همین مسئله سبب می‌شود تا نظم سالن و تمرکز مخاطب به هم بریزد. به نظرم این سیستم متمرکز در سینمای رسانه نیز می‌تواند تغییرات مثبتی داشته باشد. اگر هر فیلم در طول جشنواره مثلاً سه بار و در ساعات مختلف برای اهالی رسانه به نمایش گذاشته شود اتفاق‌های بهتری رخ خواهد داد و واکنش‌های اهالی رسانه در مورد هر فیلم نقش موثرتری پیدا می‌کند. اگر سیستم گردشی و سیالی در سینمای رسانه لحاظ شود و اینچنین نباشد که همه برای تماشای فیلمی خاص فقط یک‌بار فرصت داشته باشند، به نظرم روند متفاوت و پویاتری را شاهد خواهیم بود.